فارسی نویسی امروز و روشهای گوناگون

آموزگار، حبیب الله

وارد این باب شدن که همه زبانهای زنده امروز آمیخته بواژه‏های بیگانه است‏ و اینکه این امر طبیعی و مطابق با ناموس تکامل و تمدّن و زندگانی اجتماعی است‏ از موضوع این گفتار خارج است و تنها منظور گفتگو در روش مختلف انشاء و تحریر زبان فارسی امروز است که در اثر نشر دانش و معرفت و توسعه آموزشگاههای گوناگون‏ پیدا شده است و بازگشت آنها بسه روش است.

نخست روش بکلی نو و تا اندازهء دشوار و ناپسند و آن پارسی سره نوشتن است‏ که اگر از جنبهء هنرنمائی و فضیلت نویسنده‏های آن چشم بپوشیم علاوه بر آنکه‏ برای نیازمندیهای امروزه کافی نیست تعصب بی‏موردی بیش شناخته نمیشود و قهرا و طبعا هم عملی نبوده و پیشرفت نخواهد کرد و البته خواهان و طرفداران و نویسندگان این روش انگشت شمارند و درعین‏حال وجود و هنرشان قابل استفاده‏ و قدردانی است و بویژه برای کمک بفرهنگستان ایران بسیار سودمند هستند.

دوم روش ادبی و باصطلاح امروز«قلمبه‏نویسی است»که بیشتر از اندازهء پیش نرفتن روش نخستین با تندی و شتاب دارد از میان میرود و خواه‏نخواه جای خود را بواژه‏های معتدل عربی‏نژاد یا فرنگی‏نژاد یا ساخت کارخانه فرهنگستان میدهد و در نتیجهء روش سوم که حد وسط میان آنهاست بوجود میآید.

البته باید متوجه بود که اقدام در ترویج روش نخستین یا شتاب در نابود کردن‏ روش دوّم(با آنکه نام آنرا قلمبه‏نویسی بگذاریم)زیان‏آور است و بسود زبان‏ فارسی و فرهنگ ما تمام نمیشود زیرا:

اول-دنبال زنده کردن زبان پارسی قدیم از پهلوی و دری و اوستائی رفتن‏ راهی است بس دشوار و بیراهه و پایان آنهم روشن و امیدبخش نیست چه که در تمدّن‏ و تکامل اجتماعی همه‏چیز رفته‏رفته نو و تازه میشود و کهنه‏ها فرسوده شده و از میان‏ میروند و زنده کردن آنها علاوه بر زیان و دشواری فراوان میتوان گفت ممکن و عملی نیست بویژه در باب زبان و لغت که مبادله و وام و تهاتر حتی نسیه‏کاری در آن‏ امری رایج و در میان همه زبانها متداول است نهایت سود و زیان آن تابع دانش‏ و شایستگی دو طرف معامله است.

2-همان اندازه که امروز برای مردم ایران یاد گرفتن و آموختن واژه‏های‏ علمی فرنگی‏نژاد دشوار است آموختن واژه‏ای فرسوده و مردهء پارسی اگر دشوارتر نباشد بیشک آسانتر نیست.

3-بیرون کردن بعضی از لغت زبان پارسی باید بتدریج و با تأمل و سنجش کافی‏ و با دقت و مطالعه باشد و از پیش باید بوسیلهء مقام شایسته بجای آنها واژه‏های معتدل‏ از میان همان واژه‏های عربی همردیف یا واژه‏های فارسی که در زبان عامه با سرو دست‏ شکسته بکار میرود یا در برخی شهرها و ده‏ها هنوز رایج ولی گمنام است گذاشت آن‏ هم نه هرکس و هر نویسنده بلکه تنها و تنها از شایستگی فرهنگستان ایران است‏ آنهم نه با شتابزدگی مانند سالهای نخستین فرهنگستان که چهار اسبه میتاختند و نگارنده که در کمیسیون قضائی فرهنگستان بودم خوب یاد دارم در دورهء سابق یکروز بیچاره وزیر وقت میگفت چکنم امر شده که هر کمیسیون ماهی پنجاه واژه تحویل‏ دهد-هرچند این قسمت تکلیف خارج از طاقت بود و عملی نشد لیکن از ترس و اجبار یا تمل و خودنمائی در بعضی کمیسیونها معدودی واژهء ناپسند و ناهنجار و حرامزاده که اصل و نسب آن هم درست معلوم نبود و بعنوان تقلید یا ابتکار و از خود ساختن نرور وارد زبان ما کرده و بجای واژه‏های انس گرفته و پسندیده گذاشتند که در گفتار ویژه یک‏یک آنها را شرح خواهم داد و مورد بحث و انتقاد قرار خواهد یافت.

از این گناه کوچک که بگذریم و شامل مرور زمان بدانیم بیشتر کارهای‏ فرهنگستان پسندیده و دلچسب بوده و آنهم مرهون وجود چند نفر مردم کارشناس‏ و کارآگاه و دانشمند و اهل فن است که خوشبختانه کارمندی آنجا را پذیرفته و شانه از زیر بار وظیفه وجدانی و ادبی خود خالی نکرده‏اند.

این نکته نیز یادآور میشود همان‏گونه که محرک اصلی و عمده طرفداران پارسی قدیم(هرچند به تعصب تعبیر شود)همانا میهن‏دوستی و علاقه به آثار باستانی است طرفداران روش دوم نیز بیشتر مردمانی دانشمند و نویسنده هستند که‏ دارای ذوق و قریحهء ادبی بوده و علاقه بآثار ادبی گذشتگان دارند و سالیان دراز در راه آموختن و یاد گرفتن و یاد دادن آنها رنجها برده و زیانها دیده‏اند حالا باین‏ مفتی تنها برای خاطر معدودی متجدّد افراطی(که نمیتوانند زبان ادبی را درست‏ بخوانند و بفهمند)نمیخواهند از هنر خود دست کشیده و سرمایه ادبی و حتی معنوی‏ یکدوره عمر خود را برایگان از دست داده آنگاه برای فهمیدن واژه‏هائی مانند تخشائی و زرّادخانه و آرتشباران و اسبریس مثلا دنبال نوچه‏های فرهنگستان یا دانشجویان آموزشگاهای نظام افتاده و سر پیری زبان فارسی جدید را یاد بگیرند! گذشته از این برای کسانی که سالها عادت بیک روش انشاء کرده‏اند بسی دشوار است‏ که فوری ترک کنند و روش دیگری را پیش گیرند.

علاوه ما گمان نمیکنیم منظور نویسندگان این روش خودنمائی و نمایش‏ فضل و دانش باشد زیرا آنان بخوبی میدانند که در دنیای امروز نویسندگی از نظر بکار بردن لغتهای ادبی آنقدرها ارزش و خریدار ندارد بلکه روزبروز زبانها رو به‏ سادگی و آسان‏نویسی میرود که در خور فهم همه مردم باشد و تنها یک نکته است‏ که باید گفته شود و آن اینست که بقول مرحوم پرفسور«برون»خاورشناس معروف‏ نفوذ لغات عربی در فارسی مانند نفوذ لغات لاتین در زبان اروپائی است و بیشک در پارهء موضوع‏ها مانند فلسفه و حقوق و دین همانگونه که فرنگی‏ها از بکار بردن برخی‏ کلمه‏ها حتی جمله‏های لاتینی ناگزیرند فارسی‏زبانان هم تا مدتی همین ناگزیری را دارند ولی باید کم‏کم دائرهء آنرا کوچک و بحدّ ضرورت پائین آورد و همانطور که‏ گفته شد بوسیله فرهنگستان با مرور زمان و با متانت و بردباری در مقام اصلاح و تکمیل زبان پارسی برآمد وگرنه مانند زاغ تقلید از راه رفتن کبک و یاد نگرفتن‏ آن و از دست دادن روش راه رفتن طبیعی خود خواهد بود.